

AS



Roses and Champagne

Ep 4

Translator

strawberry

Editor

matin

@AOISEKAI

صبر کن! من فقط اینجا
اومدم برای جواب.

فکر نکنم که...

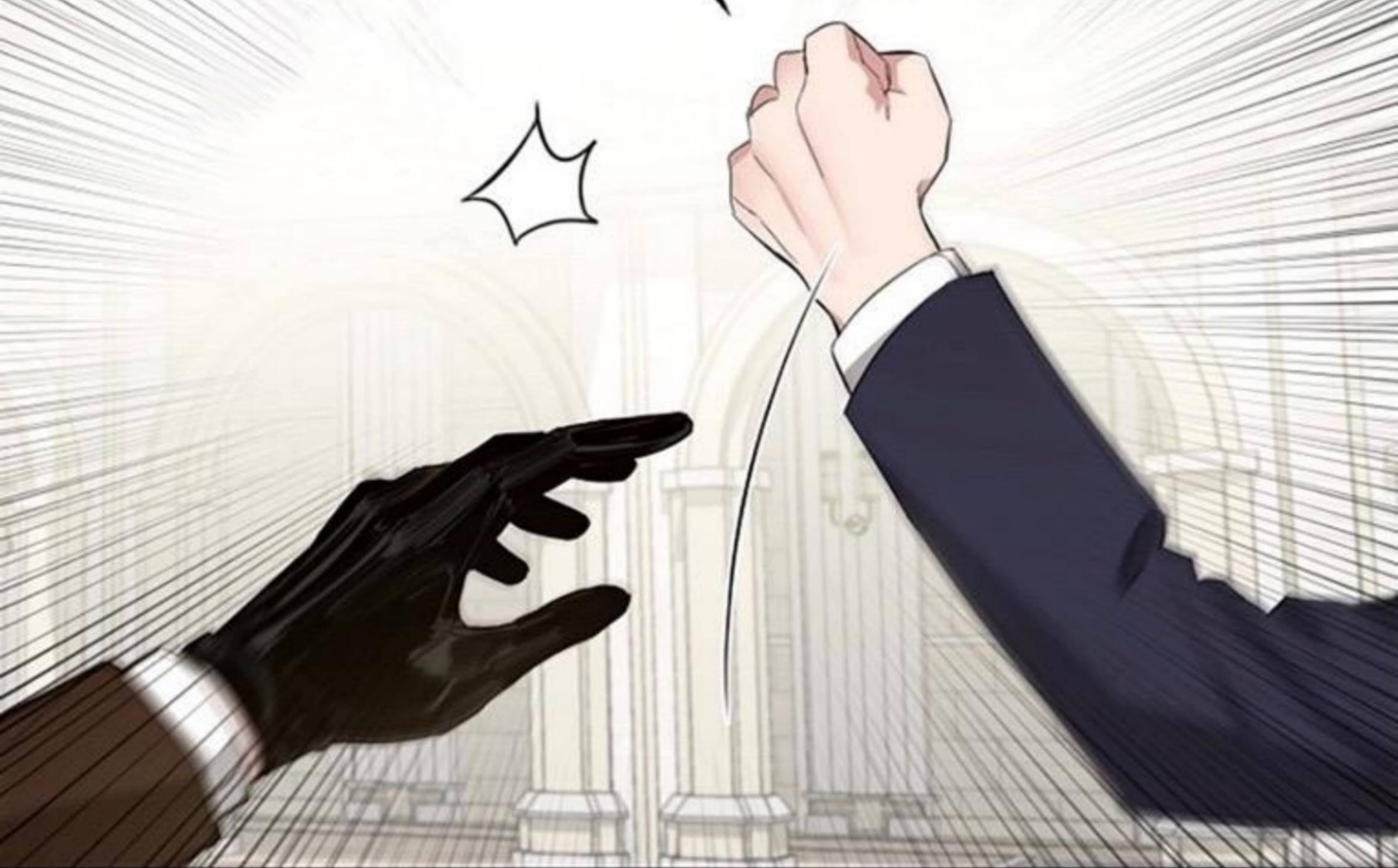
اگه نمایش رو باهام
بینی، صد درصد بهت
جواب میدم.

برنامه امروزه،
هنوز ۵ ساعت داریم.

انقدر صبر نداری؟



متنفرم از اینکه
وقتتم رو تلف میکنی!



واو، باورم نمیشه
فکر میکنی جیزل،
وقت تلف کردنه.

Swish



هرچند...

اگه میخواستم برم،

منو بازنده میکرد.



امیدوارم این برنامه
ارزش تلف شدن وقت
گرانیهام رو داشته باشه.



Applause



Applause

تموم شد... نمیخواهم
همچین چیزی بگم ولی
یه نمایش شاهکار بود.



مچپور شدم همراهیش کنم،
با اینکه نمیخواستم.



تماشای په نمایش
با یکی مته اون...

الان جواب پیشنهادت
رو میدم.



Jolt

...!!



من باهات عهد یا
قراردادی نمی‌بندم.







چرا فکر کردی باید بشینم
و خیلی ریلکس با تو
شام بخورم؟



پس، نمیخوری؟

مرگ بگیر!

مشت کردن



**باید با همون خودکار،
گلویش رو پارر میکردم!**





Bam



بله آقای زدانو



زنگ زدم تا یه چیزی
بهتون بگم.

Chirp

Chirp

عالم...

سرم درد میکنه...

این دلیلی که نباید بنوشم
وقتی خودم حالم خرابه.



دیوونه شده که چوایم رو
نمیده، تازه پیشنها میده
بریم باهم شام بخوریم.



آخرش باحتمیم دیگه، نه؟



دفعه کردن



پیکار دارین
میکنین عوضیا!

تمومش کنین، الان!!

مامان بزرگ، چی شده؟





مامان بزرگ...

بس کن!

ولا کن!

شکستین

فربه

چیہ؟ اوو...انگار
یہ وکیل دل رحمی!



میخوام جوابم رو بدی.
چرا همش مزاحم مردم میشی؟



بہت گفتم
بیخیال نیکولای شو.



نیکولای رو قبلا زدن...



بہت نشون میدم وقتی
گوش ندی، چی میشه.

تمومش کن...

ها ها

تفم خروج!

ا.د: جووووونن! پات طلا پسر!



قوری مورد علاقم...

منجمله شرن



اوہ، نہ...



مردی کہ باعث
ہمہ اپنا شد...



کاپسره.

دیروز فرصت از دستم
رفت، ولی امروز میزنمت
زمین. دیگه پسمه.

هیچوقت نمیبخشمت.



پس



چی بوده که خواستی
صبح خروس خون
بهم بگی؟



AS

وکیل خوش شانسی
هستی، درست موقع
نوشیدن چای اومدی.



اوه، و عواملمون رو
زهره ترک کردی.



این خیلی تاثیرگذاره.

لیوان چایی که جلوته رو مردی
به اسم لیوداملیا درست کرده
که انگار زهره ترک شده.



مهارت چای
درست کردنش، محشره.

....ا

نیومدم اینجا تا راجیه
چای بلهات حرف بزنم.



خدای من، حتی وقت چای
خوردنم نداری صبحا؟



هوم... نگفته بودن
طوفانِ قداره پشه که.

ولی بدنش توی
یه وضعیت ناچوره.

توی راه دعوا کرده؟

برای کمک به کسانی
که اسپانسر شونی...

میدونستم یه مافیایی که
هرکاری از دستش برمیاد.

اما،

استفاده از خشونت علیه
افراد بی دفاع، دیگه زیاده.

هنوزم به لطف تو،
تصمیم محکم تری گرفتم.

بیا تا تھش بریم.
فکر میکنی کی میبره؟



خشونت؟

Tilt

خواب دیدی؟

چی میگی؟

حتی اگه دیشب یه خواب_
عجیب غریب دیدی، چرا
باید بیای اینجا؟

داشتم فکر میکردم چرا
اینقد شلوغش کردی.

خجالت آورده که یهو اومدی و
چیزایی داری میگی که هیچ
دخلی به من نداره.

خب،

فکر کنم این کاریه
که وکیل خوبی مته تو
انجام میده.



یا شاید...



از اونجایی که ضایع اس
برنده نمیشی،

داری دنبال یه راهی میگردی
تا از اون روش ببری؟





نہیں بدداشتیں



فازنا

عاجز!!

ولم کن مادر به خطا!



خیلی خون گرمی.

کی فکر میکرد بخوای
همچین کاری بکنی؟

باید بفهمم کیه و
دهنش رو سرویس کنم.

Pounce



هرکار مینوای بکن

مستخره کردن و خشونت
علیه مردم کار روزمره.



راستی،



قضاوت از دیدگاه خودت،
ولی انگار صبح پاشدی
دویدی اومدی اینجا.

لباسات همون
دیشبی هاست.

بدنت بوی الکل میده. انگار
دیشب زیادی الکل خوردی.



سرحدادن

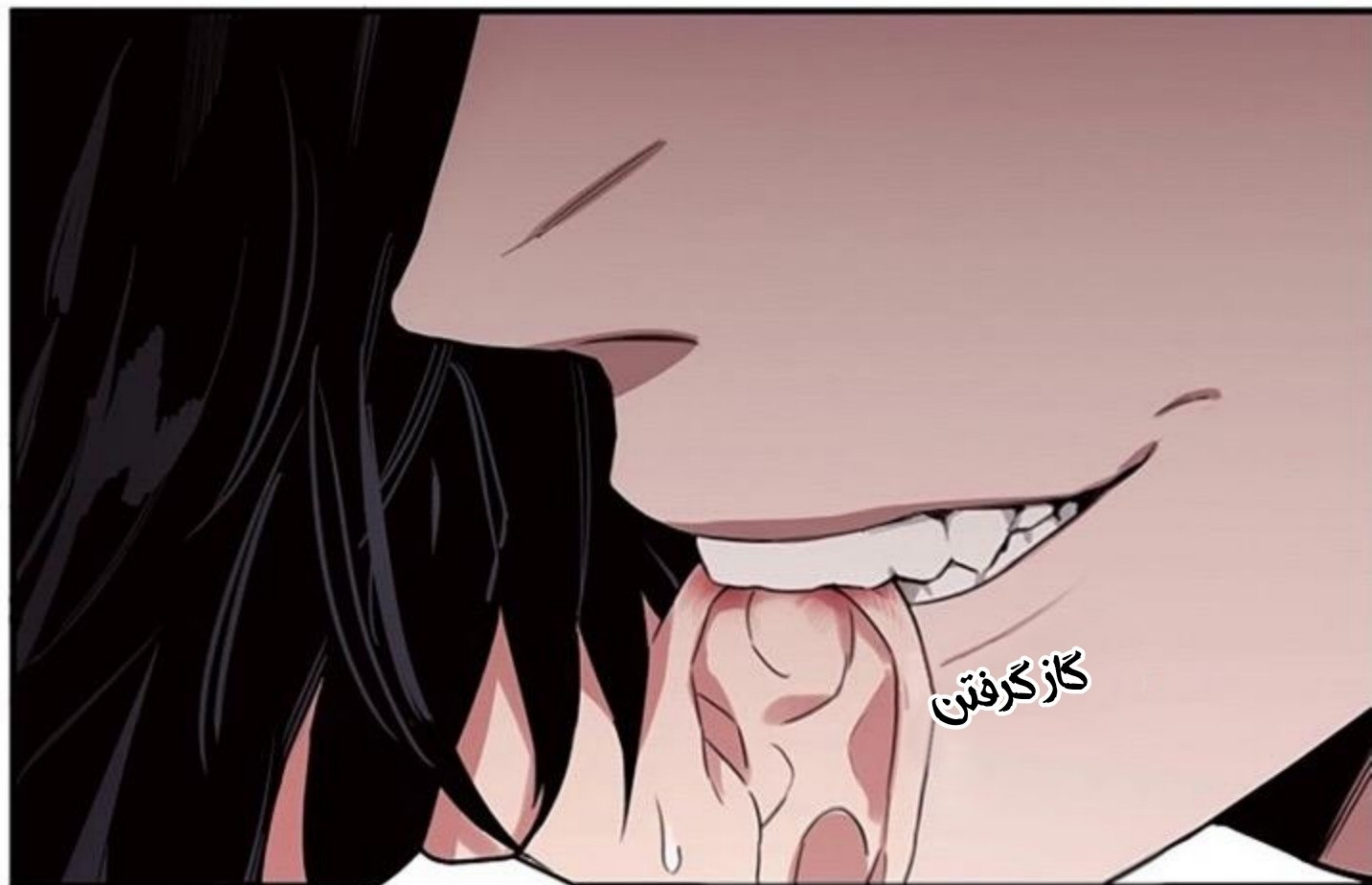
لرزیدن

این مهم نیست!

میدونستی مردم وقتی از
خواب پا میشن، بوی بدنشون
در قوی ترین حالت ممکنه؟

هاا

پس تو همچین بویی میدی.



عاه...!



وايسا.

یه چیزی داره به پشتتم
سیخونک میزنه.

فتشمار

پاهاتو باز ڪن.



م.ت: به نام پدر پسر روح القدس. خدایا منو تا آخر این کار زنده نگه دار آمین. بلند بگین.

[illegible]